

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	مقدمه
10	فصل نخست: مفاهیم و تعاریف
10	مبحث اول: اهلیت
10	گفتار اول: تعریف اهلیت
11	الف: انواع اهلیت
11	1- اهلیت تمتع
12	2- اهلیت استیفا
13	ب: مبنای اهلیت
13	پ: محرومیت از اهلیت و سلب آن
15	گفتار دوم: حجر
16	الف: محجور
16	ب: معلول
17	پ: ناتوان
18	گفتار سوم: اسباب حجر
19	الف: اسباب حجر در فقه اسلامی
20	ب: اسباب حجر در قانون مدنی ایران (حقوق موضوعه)

- 22 ----- مبحث دوم: حقوق مدنی
- 22 ----- الف: حق
- 23 ----- ب: حقوق
- 24 ----- پ: حقوق مدنی
- 25 ----- 1- حقوق مدنی نسبی
- 25 ----- 2- حقوق مدنی مطلق
- 27 ----- مبحث سوم: ناتوانی ذهنی و انواع آن
- 27 ----- گفتار اول: تعریف ناتوانی ذهنی
- 29 ----- گفتار دوم: انواع ناتوانی ذهنی
- 29 ----- الف: ناتوانی ذهنی که از بدو تولد وجود دارد
- 30 ----- 1- عقب ماندگی ذهنی
- 30 ----- 1-1- تعریف عقب ماندگی ذهنی
- 34 ----- 2-1- علل عقب ماندگی ذهنی
- 35 ----- 3-1- طبقه‌بندی عقب ماندگی ذهنی
- 36 ----- ب: ناتوانی ذهنی که بر اثر بیماری‌ها و حوادث به وجود می‌آید
- 37 ----- 1- بیماری‌های ناتوانی ذهنی
- 37 ----- 1-1- اسکیزوفرنی
- 38 ----- 2-1- زوال عقل (دمانس)
- 39 ----- 3-1- روان‌پریشی (دلیریم)

- 2- اغماء (کما) ----- 40
- 3- سالمندی ----- 42
- مبحث چهارم: تمایز ناتوانی ذهنی از مفاهیم مشابه ----- 45
- گفتار اول: مقایسه ناتوانی ذهنی با سفیه ----- 45
- گفتار دوم: مقایسه ناتوانی ذهنی با جنون ----- 48
- گفتار سوم: مقایسه ناتوانی ذهنی با مرگ مغزی ----- 53
- گفتار چهارم: مقایسه ناتوانی ذهنی با غایب مفقودالاثار ----- 57
- فصل دوم: شیوه‌های حمایت از حقوق افراد ناتوان ذهنی در سطح بین‌المللی و ایران ---- 60
- مبحث اول: جایگاه افراد ناتوان ذهنی در ایران و قوانین مرتبط با آن ----- 58
- گفتار اول: جایگاه افراد ناتوان ذهنی در حقوق ایران ----- 58
- الف: جایگاه افراد ناتوان ذهنی بر اثر سالمندی در حقوق ایران ----- 59
- 1- قانون امور حسبی مصوب 1390/4/2 با اصلاحات و الحاقات بعدی ----- 60
- 2- قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب 1384/2/16 ----- 62
- ب: جایگاه کما در حقوق ایران ----- 64
- پ: جایگاه افراد عقب مانده ذهنی در حقوق ایران ----- 67
- گفتار دوم: قوانین موجود در ایران برای حمایت از حقوق افراد ناتوان ذهنی ----- 71
- الف: قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب 1384/2/16 ----- 72
- ب: حمایت از افراد ناتوان ذهنی در قانون اساسی ----- 74
- پ: حمایت از افراد ناتوان ذهنی در قانون امور حسبی ----- 75

ت: حمایت از افراد ناتوان ذهنی در قانون اقدامات تأمینی مصوب 12 اردیبهشت سال 1339 75

ث: حمایت از افراد ناتوان ذهنی در قانون مجازات ----- 76

مبحث دوم: حمایت از افراد ناتوان ذهنی از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد

بین‌المللی ----- 77

گفتار اول: اقدامات بین‌المللی تا پیش از تصویب کنوانسیون حقوق معلولان ----- 79

الف: منشور ملل متحد ----- 80

ب: اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ----- 80

پ: کنوانسیون حقوق کودک و اعلامیه‌ی جهانی بقاء رشد و حمایت از کودکان ----- 83

ت: اعلامیه‌ی حقوق افراد عقب‌مانده ذهنی ----- 85

گفتار دوم: کنوانسیون حقوق معلولان و پروتکل اختیاری آن مصوب 13 دسامبر 2006 -- 87

الف: ویژگی‌های کنوانسیون ----- 88

ب: اهداف کنوانسیون ----- 89

پ: اصول کلی کنوانسیون ----- 90

ت: مسئولیت دولت‌های عضو در قبال معلولان ----- 91

مبحث سوم: حقوق مدنی افراد ناتوان ذهنی و تأثیر ناتوانی ذهنی بر آن ----- 91

گفتار اول: حقوق مدنی افراد ناتوان ذهنی ----- 92

الف: حقوق مالی ----- 92

ب: حقوق غیرمالی ----- 93

گفتار دوم: تأثیر ناتوانی ذهنی بر امور مالی و غیرمالی ----- 93

- 93 ----- الف: تأثیر ناتوانی ذهنی بر امور مالی
- 94 ----- 1- تأثیر ناتوانی ذهنی در قراردادهای لازم
- 97 ----- 2- تأثیر ناتوانی ذهنی در قراردادهای جایز
- 99 ----- ب: تأثیر ناتوانی ذهنی بر امور غیرمالی
- 99 ----- 1- تأثیر ناتوانی ذهنی بر ازدواج
- 103 ----- 2- تأثیر ناتوانی ذهنی بر حضانت
- 103 ----- 3- محدودیت و محرومیت در اعمال حق ولایت قهری به دلیل سالمندی و بیماری

### نتیجه گیری و پیشنهادها

- 109 ----- نتیجه گیری
- 111 ----- پیشنهادها
- 115 ----- فهرست منابع

در هر اجتماع افرادی زندگی می‌کنند که به اقتضای طبیعت و مصالح اجتماعی و شخصی باید از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع باشند. این افراد را محجور می‌نامند. یکی از مباحث مهم حقوق مدنی مبحث اشخاص و حمایت از محجورین است. ولی از آنجایی که علاوه بر محجورین (صغار، اشخاص غیر رشید و مجانین) کسانی هستند که به علت ناتوانی یا کم توانی ذهنی و عقلانی یا زوال عقل نمی‌توانند در امور خود تصرف کنند و اعمال حقوقی که برای حیات انسان لازم است انجام دهند. ناتوانی عقلانی و ذهنی یک اختلال گسترده‌ی معمول و یک بیماری مزمن در طول زندگی است که عوامل ایجادکننده این بیماری روی ساختار و یا عملکرد گسترده‌ی مغز و یا هر دو با دامنه‌ای از علائم ملایم تا شدید اثر می‌گذارد.<sup>1</sup> از مصادیق بارز این اختلال می‌توان به بیماری‌هایی مثل عقب‌ماندگی ذهنی<sup>2</sup>، دلیریم<sup>3</sup>، زوال عقل<sup>4</sup> یا دمانس<sup>5</sup> و اسکیزوفرنی<sup>6</sup> و آلزایمر<sup>7</sup> را نام برد. البته در مراحلی از زندگی افراد نیز ممکن است توانایی ذهنی و تمیز افراد دچار اختلال شود و حتی در مواردی با افول قوای دماغی و تمیز همراه باشد مثلاً در دوران کهنسالی که دچار اختلالات ذهنی و عقلی شده است و فردی که در کما بسر می‌برد و هوشیاری

<sup>1</sup>. قلعه بندی، میرفرهاد، روانپزشکی بالینی، چاپ دوم، نشر طبیب، تهران، 1375، ص 97.

<sup>2</sup>. عملکرد هوشی پایین تر از میانگین و اختلال در مهارت های انطباقی

<sup>3</sup>. آشفتگی هوشیاری همراه با تغییر در شناخت. (Dlyrym)

<sup>4</sup>. بر هم ریزی های چند گانه در اعمال شناختی بدون اختلال هوشیاری. (Dementia)

<sup>5</sup>. دیویسون، کرینگ و جانسون، نیل، آسیب شناسی روانی (روانشناسی نابهنجاری)، ترجمه حمید شمسی پور، ج 2 چاپ اول، نشر

کتاب ارجمند، تهران، 1387، صص 430 و 449.

<sup>6</sup>. Schizophrenia

<sup>7</sup>. Alzheimer

خود را کاملاً از دست داده است<sup>1</sup>. از این رو به حمایت های قانون‌گزار نیاز دارند و علاوه بر این، این افراد را نمی‌توان در اجتماع بی حمایت و آزاد گذاشت زیرا آزاد گذاشتن و حمایت نکردن از آنان از طرفی موجب زیان خود این افراد و از طرف دیگر موجب زیان خانواده ایشان و اختلال در امور اقتصادی و اجتماعی خواهد شد، بدین جهت در جوامع متمدن، این افراد را مورد توجه خاص قرار داده و مقررات حمایتی مخصوصی در مورد آنان و اعمال حقوقی آنان پیش‌بینی کرده‌اند. در ایران نیز این افراد به منظور اجرای حقوقی که دارند، به ویژه در تصرفات و حقوق مالی، نیازمند توجه ویژه قانون‌گزار با رویکرد حمایتی در قالب نهادهای خاص هستند. قانون‌گزار ایران در ماده 1207<sup>2</sup> قانون مدنی به جای اینکه اسباب حجر را بیان کند از اشخاص محجور صحبت نموده است. براساس این ماده صغار، اشخاص غیر رشید و مجانین محجور محسوب شده و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا اسباب حجر محدود به موارد احصاء شده است و یا می‌توان اشخاص دیگری را در این طبقه‌بندی داخل نمود؟ به نظر می‌رسد با توجه به این که عدم اهلیت استثناء است و نیاز به تصریح قانون دارد، پاسخ به این سؤال منفی است ولی با توجه به اینکه حجر حمایتی به منظور حفظ حقوق و منافع شخص محجور وضع شده است و بنای حقوقی آن فقدان یا ضعف عقل یا اراده هست، حکم این ماده قابل تسری به برخی افرادی باشد و در چنین مواردی با تشخیص

1. لاهوتی، ناصر، تشخیص افتراقی انواع کما (اغماء)، رساله دکتری، دانشگاه جندی شاپور اهواز، دانشکده پزشکی، 1352، ص 1.

2. ماده 1207 قانون مدنی: «اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

1. صغار

2. اشخاص غیر رشید

3. مجانین

پزشکی قانونی می‌تواند با استناد بند دوم ماده 1207 قانون مدنی و یا در مواردی بند سوم این ماده به حجر این افراد حکم داد.

### ضرورت و اولویت تحقیق:

در قانون مدنی ایران محجورین در سه دسته مجنون، صغیر و سفیه پیش‌بینی شده است. ولی طیف گسترده‌ای از افراد جامعه با وضعیت مشابه وجود دارند که دارای محدودیت‌های ذهنی و عقلی بوده که وضعیت حقوقی آنان روشن نیست. با توجه به این که در حقوق و قانون مدنی ایران افراد ناتوان ذهنی و عقلی جزء سه دسته محجورین ذکر نشده است و این افراد به منظور اجرای حقوقی که دارند، به ویژه در تصرفات و حقوق مالی، نیازمند توجه ویژه قانون‌گذار با رویکرد حمایتی هستند. لازم است بررسی شود که افراد ناتوان و کم‌توان ذهنی در حقوق ایران چه جایگاهی دارند و وضعیت حقوقی آنان چگونه است. همچنین حجم بسیاری از دعاوی مطرح‌شده در دادگاه‌ها مربوط به نصب قیم و امین برای افرادی که توانایی جسمی و ذهنی برای اداره اموال و حتی امور غیرمالی خود را ندارند، هست. در حالی که نص صریحی در قانون مدنی و حقوق ایران در این رابطه وجود ندارد. منابع فقهی نیز افراد ناتوان ذهنی و عقلی را جزء اسباب حجر محسوب نکرده است. پژوهش پیش‌رو به منظور رفع ابهامات در رویه قضائی و همچنین قانون‌گذاری بوده و در راستای تحول قانونی در این زمینه به صورت جدی اقدام نموده و با تدوین مواد قانونی مناسب سعی در رفع تردیدها و خلأهای قانونی در این زمینه هست. با توجه به وضعیت خاص آسیب‌پذیری افرادی که دچار ناتوانی و کم‌توانی ذهنی، از نظر روانی و حتی اجتماعی و جسمانی و وجود دیدگاه‌های خاص در جامعه نسبت به این افراد باید سیاستی را در پیش گرفت که در عین حمایت از آنان کمترین آسیب را به همراه داشته باشد و همه ایشان به یک



نگاه مورد توجه قرار نگیرد و لازم است حجر حمایتی این افراد با توجه به وضعیت خاصشان مورد پذیرش قانون‌گزار ایران قرار بگیرد و وضعیت حقوقی این افراد روشن شود.

### اهداف تحقیق:

با توضیحات ذکر شده می‌توان اهداف پژوهش را این چنین احصاء کرد:

- 1- شناخت و بررسی مصادیق و مفهوم ناتوانی ذهنی (غیر از جنون).
- 2- پیشنهاد تدوین مواد جدید و ارائه راهکارهای مناسب در این رابطه با خلاء های قانونی در رابطه با وضعیت حقوقی افراد ناتوان و کم توان ذهنی.
- 3- بررسی تأثیر و آثار ناتوانی ذهنی (غیر از جنون) بر حقوق مدنی افراد.
- 4- تعیین جایگاه و وضعیت دقیق افراد ناتوان ذهنی (غیر از جنون) در حقوق ایران.
- 5- تعیین چگونگی اجرا و اعمال حقوق مدنی افراد ناتوان ذهنی.

### چارچوب نظری و پیشینه تحقیق:

پژوهش پیش رو در دو فصل تدوین شده است. فصل اول در دو مبحث به مفاهیم و تعاریف پرداخته شده است. در مبحث اول به تعریف مفاهیم کلی پژوهش که شامل اهلیت، حجر، محجور، معلول، ناتوانی و حقوق مدنی پرداخته شده است. مبحث دوم به تعریف ناتوانی‌های ذهنی و بیماری‌های ذهنی و برخی مراحل زندگی افراد که دچار اختلالات ذهنی می‌شود و همچنین تمایز ناتوانی ذهنی از مفاهیم مشابه پرداخته شده است. فصل دوم این پژوهش در سه مبحث به بررسی جایگاه افراد ناتوان ذهنی و شیوه‌های حمایت از این افراد در سطح بین‌المللی و ایران می‌پردازیم. در مبحث اول به بررسی جایگاه افراد ناتوان ذهنی و قوانین مرتبط با ناتوانی

ذهنی در ایران می‌پردازیم. در مبحث دوم به نحوه حمایت از افراد ناتوان ذهنی در سطح بین‌الملل و ایران می‌پردازیم و در نهایت در مبحث سوم تأثیر ناتوانی ذهنی بر حقوق مالی و غیرمالی افراد ناتوان ذهنی پرداخته می‌شود.

پژوهش کنونی بدین شکل سابقه‌ای نداشته و در نوع خود کاری جدید محسوب می‌شود. هر چند در زمینه حجر و محجوریت کتاب‌هایی مانند کتاب اشخاص و محجورین تألیف دکتر سید حسین صفائی و دکتر سید مرتضی قاسم‌زاده و کتاب حقوق محجورین تألیف محمدرضا رضوان طلب و مقالاتی نگاشته شده و اما در مورد ناتوانایی ذهنی و عقلانی و تأثیر آن بر حقوق مدنی افراد هیچ‌گونه کتاب و مقاله‌ای نگاشته نشده است؛ اما مقالاتی در ارتباط با بیمار روانی در ایران تألیف صفیه اصغر زاده، جایگاه حقوقی کودک عقب‌مانده ذهنی در ایران تألیف مصطفی‌السان، جایگاه سالمندی در نظام حقوق مدنی ایران و طبقه‌بندی بیماران روانی و احکام آنان از دیدگاه محقق نراقی تألیف حسینعلی آذربادگان و همچنین تشخیص افتراقی انواع کما (اغماء) تألیف دکتر ناصر لاهوتی وجود دارد که بیشتر به جایگاه و مباحث پزشکی بیماری‌های روانی و اختلالات ذهنی و دماغی پرداخته شده است و به مسایل حقوقی و جایگاه افراد ناتوان ذهنی در قوانین ایران پرداخته نشده است و در این رابطه با خلأ، ابهام و نقص قانونی مواجه هستیم.

### پرسش‌های تحقیق:

1- جایگاه افراد ناتوان و کم توان ذهنی (غیر از جنون) در قانون ایران کجاست؟ و می‌توان این

افراد را جزء یکی از مصادیق اسباب حجر در قانون مدنی ایران به شمار آورد؟

2- ناتوانی و کم توانی ذهنی چه تأثیری بر اعمال و اجرای حقوق (مالی و غیر مالی) افراد ناتوان

یا کم توان ذهنی می گذارد؟

3- افراد کهنسال و کسانی که در اغماء بسر میبرند را چگونه می توان در ردیف بیماران کم توان

و ناتوان ذهنی آورد؟

4- اختلالات ذهنی و عقلی تا چه میزان بر اعمال محدودیت، محرومیت و معافیت در اجرای

حقوق و تکالیف مربوط تأثیر می گذارد؟

5- قانون گزار ایران جهت حمایت از افراد ناتوان و کم توان ذهنی، تا چه میزان به یافته های

علمی (پزشکی و روان پزشکی) مربوط به اختلالات ذهنی و عقلی توجه نموده است.

### تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق:

اهلیت: از نظر لغوی اهلیت به معنای شایستگی، لیاقت و سزاواری هست.<sup>1</sup> در حقوق ایران اهلیت

در دو مفهوم: «الف (صفت کسی که دارای جنون، سفه، صغر، ورشکستگی و سایر موانع

محرومیت از حقوق (کلاً و بعضاً) نباشد؛ ب (صلاحیت شخصی برای دارا شدن حق و تحمل

تکلیف و بکار بردن حقوق که به موجب قانون دارا شده است) بکار برده می شود<sup>2</sup>

ناتوان ذهنی: یک اختلال گسترده‌ی معمول و یک بیماری مزمن در طول زندگی است که عوامل

<sup>1</sup>. معین، محمد، فرهنگ فارسی، دوره شش جلدی، ج 1، چاپ یازدهم، انتشارات امیر کبیر، تهران، 1376، ص 47.

<sup>2</sup>. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، انتشارات گنج دانش، تهران، 1377، ص 97.

ایجادکننده این بیماری روی ساختار و یا عملکرد گسترده‌ی مغز و یا هر دو با دامنه‌ای از علائم ملایم تا شدید اثر می‌گذارد.<sup>1</sup>

جنون: از نظر حقوقی جنون حالتی است در بعضی از افراد، که در نتیجه آن از اراده و آگاهی در حد متعارف برخوردار نمی‌باشند و اعمال خود را به پیروی از غرایز و بدون خواست و اراده انجام می‌دهند.<sup>2</sup> مجنون کسی است که فاقد تشخیص مفاهیم نفع و ضرر و حسن و قبح اعمال است و قادر به تفکر در اعمال خود نیست.

معلول: معلول واژه‌ای اعم از ناتوانی است و اسم مفعول از واژه علت است.<sup>3</sup> معلول به فردی که بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی یا توأم (ناشی از حادثه، بیماری و جنگ) اختلال قابل‌توجهی به طور مستمر در سلامت و کار آیی عمومی بدن و یا در شئون اجتماعی و حرفه‌ای او به وجود آمده، به طوری که این اختلال از استقلال فردی بکاهد، اطلاق می‌شود.<sup>4</sup>

سالمندی: سالمندی معمولاً به آخرین دوره چرخه زندگی گفته می‌شود و پدیده‌ای است که به وسیله تغییرات بیولوژی، فیزیولوژی، بیوشیمی، و آناتومی در سلول‌های بدن ایجاد می‌شود و این تغییرات با طول زمان بر کار سلول‌ها اثر می‌گذارد.<sup>5</sup> قابل‌ذکر است که در این پژوهش صرف

---

<sup>1</sup> کمالی، محمد و ایران، فریبا، مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره 7، بهار 1382، ص 97.

<sup>2</sup> منصور آبادی، عباس، احکام جنون در حقوق کیفری ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره دوازدهم، شماره دوم، 1376، ص 1.

<sup>3</sup> مراد زاده، حسن، معلولین در حقوق مسئولیت مدنی، رساله دکتری، دانشگاه تهران، مهر 1387، صص 1 و 2.

<sup>4</sup> دستور العمل اجرایی آیین نامه تأسیس و اداره مراکز خصوصی معلولین و سالمندان، الحاق شماره یک، بند آتبره یک، به نقل از مجموعه قوانین و مقررات بهزیستی، چاپ اول، تهران، شماره 76، ص 13.

<sup>5</sup> آقا بزرگی، فاطمه، حمایت از زنان سالمند در قوانین و مقررات ایران و مقایسه آن با اسناد بین‌المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تابستان 1389، ص 15.

سالمندی و کبر سن مورد نظر نمی‌باشد بلکه سالمندی به همراه کاهش قوای ذهنی و اختلالات عقلی و عدم اهلیت در اجرا و اعمال حقوقی بالاخص اداره حقوق مالی است.

حقوق مدنی: منظور حقوقی است که در روابط مردم با یکدیگر قطع نظر از شغل، مقام و عنوان خاص آن‌ها در اجتماع مطرح است مانند حق مالکیت، حق آزادی معاملات و ...<sup>1</sup> ولی در هر اجتماع افرادی زندگی می‌کنند که به اقتضای طبیعت و مصالح اجتماعی و شخصی فاقد صلاحیت برای اجرای این حقوق هستند. به عنوان مثال افراد ناتوان ذهنی.<sup>2</sup>

### روش تحقیق:

روش گردآوری اطلاعات در پژوهش کنونی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و منابع نوشتاری که در علوم انسانی مرسوم است می‌باشد که متکی بر مطالعه و تجزیه و تحلیل اطلاعات حقوق موجود در کتاب‌های نویسندگان حقوقی، قوانین و رویه قضایی و هم چنین مطالعه منابع فقهی می‌باشد؛ و نگارنده بنا دارد با تجزیه و تحلیل و توصیف، ضمن یافتن بایسته‌های تحقیق و پاسخگویی به نکات مطروحه، کار این پژوهش را به اتمام برساند.

<sup>1</sup> صفائی، حسین و قاسم زاده، مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، چاپ دهم، انتشارات سمت، تهران، 1384، ص 29.

<sup>2</sup> محمد زاده، محمود، اهلیت در حقوق مدنی و حقوق بین الملل خصوصی، مجله کانون، شماره 26، 1380، ص 25.

# فصل اول

## مفاهیم و تعاریف

## فصل اول: مفاهیم و تعاریف

برای درک و فهم بهتر مطلب نیازمند تعریف برخی مفاهیم هستیم. این فصل به تعریف مفاهیم و وجوه اشتراک و افتراق بین برخی از این مفاهیم اختصاص دارد. مهم‌ترین مباحث این فصل به تعریف مفاهیم اهلیت، حجر، محجور، ناتوان، معلول، اسباب حجر در فقه و قانون ایران، حق و حقوق مدنی، ناتوانی ذهنی و انواع آن و تفکیک ناتوانی ذهنی از مفاهیم مشابه مانند مرگ مغزی، جنون، سفیه و غایب مفقودالاثراست.

### مبحث اول: اهلیت

از نظر لغوی اهلیت به معنای شایستگی، لیاقت و سزاواری است.<sup>1</sup> در ترمینولوژی حقوق دکتر محمد جعفر لنگرودی در ذیل واژه اهلیت آمده است: «الف: (صفت کسی که دارای جنون، سفیه، صغر، ورشکستگی و سایر موانع محرومیت از حقوق (کلاً و بعضاً) نباشد ( ماده‌ی 212 - 1207 قانون مدنی)؛ ب: (صلاحیت شخصی برای دارا شدن حق و تحمل تکلیف و بکار بردن حقوق که به موجب قانون دارا شده است).<sup>2</sup>

### گفتار اول: تعریف اهلیت

اهلیت به معنی عام عبارت است از صلاحیت شخص برای دارا شدن و اجرای حق و تکلیف است. در این معنی اهلیت کامل مورد نظر است، اما گاهی از این کلمه فقط توانایی دارا شدن حق یا اجرای آن را اراده می‌کنند و این اهلیت به معنی خاص است. قابل توجه است که چون اهلیت اجرای حق از نظر استعمال آن در نوشته‌های حقوقی غلبه دارد هنگامی که اهلیت به طور مطلق استعمال می‌شود، منظور اهلیت اجرای حق است.<sup>3</sup> تعریفی که از حقوق‌دانان فرانسوی داریم با

1. معین، محمد، همان.

2. چعفری لنگرودی، محمد جعفر، همان.

3. صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی، همان، صص 178 و 179.

آنچه حقوق دانان اسلامی از اهلیت نگاشته‌اند چندان دور نیست. برابر تعریف حقوق دانان اسلامی، اهلیت عبارت است از صلاحیت انسان برای دارا شدن حقوق قانونی (مشروع) برای خود یا بر خود. قید قانونی (مشروع) برای آن است که اگر حقی مشروع نباشد و حقوق اسلامی آن را روا نداند، حق نیست<sup>1</sup>. قابل ذکر است در حقوق ایران اهلیت در انسان اصل و نقص یا عدم اهلیت استثنا است<sup>2</sup>.

### الف: انواع اهلیت

برای دارا شدن حقوق مدنی و اجرای آن دو نوع اهلیت در قانون مدنی آمده است (ماده 958) که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

#### 1- اهلیت تمتع

این نوع اهلیت که برخی از حقوق دانان از آن تحت عنوان اهلیت دارا شدن حق<sup>3</sup> و برخی دیگر به عنوان اهلیت تصرف<sup>4</sup> و اهلیت تمتع<sup>5</sup>، اهلیت تملک<sup>6</sup> نام برده‌اند به معنای صلاحیت شخصی برای دارا شدن حقوق هست که به عنوان یک حق بنیادین در ماده 956 قانون مدنی آمده است. اهلیت تمتع، ملاک شخصیت حقوقی است و شخصیت حقوقی از زمان تولد انسان شروع گردیده و با فوت او خاتمه می‌یابد. بدین جهت افراد حتی کودکان و مجانین دارای شخصیت حقوقی می‌باشند<sup>7</sup>. با وجود این، قانون‌گذار بنا به رعایت پاره‌ای مصالح و جهات، اشخاصی را از این قاعده

<sup>1</sup> عظیمی، محمد، حقوق مدنی یک در اشخاص، انتشارات اسلامی، تهران، 1372، ص 26.

<sup>2</sup> السنهوری، عبدالرزاق احمد، الموجز فی شرح القانون المدنی، ج 1، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، 1365، ص 104.

<sup>3</sup> صفایی، حسین و قاسم زاده، مرتضی، همان، ص 153.

<sup>4</sup> کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قرار دادها، ج 2، چاپ هفتم، انتشارات شرکت انتشار، تهران، 1385، ص 3.

<sup>5</sup> امامی، حسن، حقوق مدنی، ج 1، انتشارات نشر میزان، تهران، 1389، ص 203 و 204.

<sup>6</sup> کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج 1، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1386، ص 34.

<sup>7</sup> طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی (1 و 2)، ج اول، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، 1375، صص 32 و 33.



مستثنا کرده است. اتباع بیگانه طبق ماده 961 قانون مدنی از داشتن حقوقی که قانون صریحاً به اتباع ایران اختصاص داده است، مثل ماده 144 قانون آیین دادرسی مدنی سال 1379 و حقوقی که صریحاً از اتباع خارجی سلب شده است مثل ماده 10 لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب 1333 محروم‌اند<sup>1</sup>. علاوه بر اتباع خارجی، پاره‌ای از ایرانیان نیز نیز حق بر خورداری از پاره‌ای حقوق محروم‌اند (مثل طفل متولد از زنا موضوع مواد 1167 و 884 قانون مدنی).

### 2- اهلیت استیفا

در حقوق ایران به اهلیت اجرای حق، اهلیت استیفا<sup>2</sup> یا اهلیت تصرف<sup>3</sup> نیز گفته‌اند. حقوق دانان عرب زبان به این اهلیت «اهلیت الاداء» می‌گویند<sup>4</sup>. این اهلیت به این معناست که قابلیتی که قانون برای افراد شناخته تا بتوانند حق خود را اجرا و خود را متعهد سازد، مانند: صلاحیت شخص عاقل، بالغ و رشید در تصرف در اموال خود و صلاحیت شخص کبیر برای معامله در اموال خود<sup>5</sup> و این افراد نیازی به فعالیت نمایندگان قانون مانند ولی، وصی، قیم و یا دادستان برای اجرای حق خود ندارند<sup>6</sup>. کسانی که فاقد این اهلیت باشند در اصطلاح حقوقی محجور نامیده می‌شوند. مثلاً شخص مجنون در حال جنون محجور از اجرای حق است<sup>7</sup>.

<sup>1</sup>. صفایی، حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج 1، انتشارات نشر میزان، تهران، 1379، ص 78.

<sup>2</sup>. امامی. همان. ص 204.

<sup>3</sup>. کاتوزیان، ناصر، همان، ش 284، ص 2 و 3.

<sup>4</sup>. السنهوری، عبدالرزاق احمد، همان، ص 268.

<sup>5</sup>. طاهری، حبیب الله، همان.

<sup>6</sup>. سیفی، غلامعلی و زینالی، امیر حمزه، جایگاه سالمندی در حقوق مدنی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره 26، 1386، ص 250.

<sup>7</sup>. نایب زاده، اکبر، اصطلاحات حقوقی به زبان عربی، چاپ اول، انتشارات طه، تهران، 1386، ص 128.

### ب: مبنای اهلیت

مبنای حقوقی اهلیت تمتع، انسان بودن است. همین که وجود و شخصیت انسان شکل گرفت و آدمی پا به عرصه زندگی گذاشت، توانایی دارا شدن حقوق را کسب می‌کند. حتی انسان، قبل از تولد، دارای اهلیت ناقص است و بعد از تولد تا زمان مرگ این توانایی را حفظ خواهد کرد (ماده 956 قانون مدنی). اما مبنای اهلیت استیفا داشتن تمیز و درک است، زیرا اراده انشایی که برای انجام دادن اعمال حقوقی لازم و ضروری است فقط در اشخاص دارای تمیز موجود است. حال اگر تمیز شخص کامل و کافی باشد، اهلیت او نیز کامل خواهد بود، مانند انسان رشید که دارای درک و تمیز کامل است و خوب را از بد و سود را از زیان تشخیص می‌دهد و معنی عقود، ایقاعات و اعمال حقوقی را درک می‌کند، پس اهلیت او نیز کامل است<sup>1</sup>؛ اما چنان چه درک و تمیز شخصی ناقص باشد دارای اهلیت کامل برای انجام و اجرای حقوق نمی‌باشد و محجور شناخته می‌شود.

حجر حمایتی که در قانون مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد، تابع رژیم خاص حقوقی هست و برای حفظ حقوق و منافع محجورین مقرر شده است. مبنای حقوقی حجر حمایتی، فقدان یا ضعف عقل و اراده است.<sup>2</sup>

### پ: محرومیت از اهلیت و سلب آن

قواعد مربوط به اهلیت به دلیل ارتباط با شخصیت و کرامت ذاتی انسان‌ها از چنان اهمیتی برخوردارند که هرگونه توافق برخلاف آن‌ها بر اساس قانون مدنی ایران باطل و بلا اثر هستند.

<sup>1</sup> صفایی، حسین و قاسم زاده، مرتضی، همان، ص 182.

<sup>2</sup> عباسپور، مهناز، تحقیق و بررسی پیرامون حجر و قیمومت از دیدگاه فقه امامیه و تطبیق آن با قانون مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شهریور 1379، ص 9.

## فصل اول: مفاهیم و تعاریف

مطابق ماده 959 قانون مدنی «هیچ کس نمی‌تواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند».

از سوی دیگر به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق ماده 956 قانون مدنی ایران، اهلیت تمتع در شهروندان اصل است و به هیچ‌وجه استثنا پذیر و مقید نمی‌باشد؛ اما اجرای حق براساس ماده 958 قانون مدنی منوط به احراز شرایط قانونی هست. اهلیت استیفا در مراحل مختلف حیات آدمی متفاوت است و این نوع اهلیت به تدریج و همزمان با رشد نیروی فیزیکی و دماغی تکامل پیدا می‌نماید و عدم اهلیت استیفا یا ناقص که در مراحل اولیه زندگی به دلیل پایین بودن سن وجود دارد در نتیجه بلوغ و رشد به اهلیت کامل اجرای حق تبدیل می‌گردد. هم چنان که کمبود سن نقصی برای اهلیت استیفا محسوب می‌شود، این اهلیت می‌تواند با کاهش قوای جسمانی و دماغی در نتیجه‌ی بالا رفتن سن و سالمندی و بر اثر حوادثی مثل رانندگی و بیماری‌ها که از نتایج و پیشامد آن‌ها به کما (اغماء) رفتن افراد و برخی بیماری‌ها که باعث ناتوانی و یا کم توانی ذهنی افراد می‌شود، رو به افول گذارد. همان طور که گفتیم قواعد مربوط به اهلیت با شخصیت و کرامت افراد آمیخته شده است و در قوانین کشور های دیگر هم این قواعد به چشم می‌خورد. به عنوان مثال در ماده‌ی 48 قانون مدنی مصر آمده است: هیچ شخصی نمی‌تواند از اهلیت خود چشم‌پوشد و یا تعدیلی در قواعد راجع به آن صورت دهد؛ و همچنین در ماده‌ی 49 همین قانون آمده است: هیچ شخصی نمی‌تواند از خود سلب حریت کند.<sup>1</sup>

<sup>1</sup>. قانون مدنی مصر، ترجمه محمد علی نوری، انتشارات گنج دانش، تهران، 1388، ص 26.

### گفتار سوم: حجر

واژه حجر در لغت، به فتح و ضم و کسر (حاء) استعمال شده است، لیکن در حقوق امروز فقط به فتح اول به کار می رود و به معنی منع و بازداشتن است<sup>1</sup> و به کسر یا ضم اول حرام را گویند، چون ممنوع است و عقل را حجر به کسر اول گفته‌اند، چون انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد، بنابراین می‌توان گفت که حجر در لغت به معنای منع است.<sup>2</sup> در اصطلاح حقوقی حجر به معنی عدم اهلیت استیفا است و می‌توانیم در تعریف آن بگوییم «حجر عبارت است از منع شخص به حکم قانون از اینکه بتواند امور خود را به طور مستقل و بدون دخالت دیگری اداره کند و شخصاً اعمال حقوقی انجام دهد» و نیز «عدم توانایی قانونی شخص در اعمال و اجرای حق». در حقوق مدنی فرانسه راجع به تعریف حجر آمده است: «حجر عبارت از رأی و تصمیمی است که به موجب آن دادگاه مدنی پس از رسیدگی و اثبات دیوانگی و اختلال حواس شخص، او را از مداخله و تصرف در اموالش ممنوع می‌نماید»<sup>3</sup>. به نظر می‌رسد که در حقوق امروز حجر دارای معنای وسیعی است و نمی‌توان آن را به امور مالی محدود دانست. اگر چه حجر در امور مالی بیشتر مورد توجه فقها و حقوق دانان و قانون‌گذار قرار گرفته است، در امور غیرمالی نیز دارای مسائل و احکام خاصی است؛ مانند طلاق که یک امر غیرمالی است در مورد محجورین نیز مطرح می‌شود؛ بنابراین حجر در حقوق ایران به امور مالی اختصاص ندارد و در مبحث حجر از اعمال حقوقی غیرمالی هم سخن به میان می‌آید.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج 2، انتشارات اسلامی، قم، 1379، ص 99.

<sup>2</sup> بحرانی، شیخ یوسف، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، با تحقیق و تعلیق شیخ علی آخوندی، ج 20، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، 1387، ص 342.

<sup>3</sup> فاطمی، محمد مهدی، حجر در حقوق مدنی ایران، چاپ اول، انتشارات حکمت، قم، 1345، ص 28.

<sup>4</sup> صفایی، حسین و قاسم زاده، مرتضی، همان، ص 187.